

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۶۲۵

### آیه ۷۷

#### آیه و ترجمه

ان الذین یشترون بعهد الله و ایمنهم ثمنا قليلا اولئک لا خلق لهم فی الاخرة و لا یکلمهم الله و لا ینظر الیهم یوم القیمة و لا یزکیهم و لهم عذاب الیم ۷۷  
ترجمه :

۷۷ - کسانی که پیمان الهی و سوگندهای خود (به نام مقدس او) را به بهای ناچیزی میفروشدند، آنها بهره‌های در آخرت نخواهند داشت، و خداوند با آنها سخن نمیگوید و به آنان در قیامت نمینگرد و آنها را (از گناه) پاک نمیسازد، و عذاب دردناکی برای آنهاست.

#### شان نزول :

جمعی از دانشمندان یهود مانند «ابی رافع» و «حی بن اخطب» و «کعب بن اشرف» به هنگامی که موقعیت اجتماعی خود را در میان یهود در خطر دیدند کوشش کردند که نشانه‌هایی که در تورات درباره آخرین پیامبر وجود داشت و شخصا در نسخی از تورات با دست خود نگاشته بودند تحریف نمایند و حتی سوگند یاد کنند آن جمله‌های تحریف شده از ناحیه خدا است! به همین جهت آیه فوق نازل گردید و شدیداً به آنها اخطار کرد.

جمعی از مفسران نیز گفته‌اند که این آیه درباره «اشعث بن قیس» نازل گردید که به دروغ می‌خواست زمین دیگری را تملک کند، هنگامی که آماده ادای سوگند برای ادعای خود شد آیه فوق نازل گردید و در این هنگام اشعث بن قیس ترسید و اعتراف به حق کرد و زمین را به صاحبش بازگرد

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۶۲۶

#### تفسیر :

#### تحریف کنندگان حقایق

در ادامه بحث‌های مربوط به خلافاکاریهای یهود و اهل کتاب در این آیه به بخش دیگری از کارهای خلاف آنها اشاره کرده، می‌فرماید: «کسانی که پیمان الهی

و سوگندهای خود را (به نام مقدس او) با بهای کمی معامله می کنند بهره‌های در آخرت نخواهند داشت» (ان الذین یشترون بعهد الله و ایمانهم ثمنا قليلا اولئک لا خلاق لهم فی الآخرة).

البته آیه به صورت کلی ذکر شده هر چند شان نزول آن گروهی از علمای اهل کتاب است که پیمانهای الهی و سوگندهای خود را با درآمد مادی ناچیزی مبادله می کردند و قرآن در این آیه پنج مجازات برای آنها ذکر می کند، نخست همان است که در قسمت بالا ذکر شد و آن اینکه آنها از مواهب بی پایان عالم دیگر بهره‌های نخواهند داشت.

دیگر اینکه «خداوند در قیامت با آنها سخن نخواهد گفت» (و لایکلمهم الله).

و نیز «نظر لطف خود را در آن روز از آنها بر می گیرد و نگاهی به آنها نمی کند» (و لا ینظر الیهم یوم القیمة) از این تعبیرات روشن می شود که خداوند در آن روز (به طور مستقیم یا به وسیله فرشتگان) با بندگان مؤمن خود سخن می گوید، سخنانی که مایه سرور و خوشحالی آنهاست و دلیل بر اعتنا و توجه به آنان است و همچنین نظر کردن خداوند به آنان اشاره به توجه و عنایت خاص او است نه نگاه با چشم جسمانی

---

#### تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۶۲۷

آن چنان که بعضی از ناآگاهان پنداشته‌اند. ولی آنها که آیات الهی را به بهای مادی مبادله می کنند نه مشمول این عنایت‌اند و نه مخاطب به آن سخنان.

و نیز روشن است که منظور از سخن گفتن خداوند سخن گفتن با زبان نیست زیرا خداوند از جسم و جسمانیات پاک و منزّه است بلکه منظور سخن گفتن از طریق الهام قلبی و یا ایجاد امواج صوتی در فضا است همانند سخنانی که موسی (علیه السلام) از شجره طور شنید.

تعبیر به «ثمنا قليلا» (بهای کم) مفهومی این نیست که اگر عهد الهی را با قیمت زیادی مبادله کنند کار خوبی است بلکه منظور این است که هر گونه بهای مادی در برابر این گناهان بزرگ به دست آید قلیل و ناچیز است حتی اگر سلطنت و حکومت گسترده‌ای باشد.

و بالاخره مجازات چهارم و پنجم آنان این است خداوند آنان را (از گناه) پاک نمی کند و برای آنها عذاب دردناکی است (و لا یزکیهم و لهم عذاب الیم).

و از اینجا روشن می‌شود که گناه پنهان ساختن آیات الهی و شکستن عهد و پیمان او و استفاده از سوگندهای دروغین تا چه حد سنگین است که تهدید به این همه مجازاتهای روحانی و جسمانی و محرومیت کامل از الطاف و عنایات الهی شده است.

نکته :

نکته‌ای که در اینجا باید به آن توجه داشت این است که عواقب شوم پندجگانه‌ای که در برابر پیمان شکنی و سوگندهای دروغ در این آیه ذکر شده گویا اشاره به مراحل تدریجی قرب و بعد از خدا است. کسی که به خداوند نزدیک می‌شود و بر بساط قرب او گام می‌نهد نخست مشمول یک سلسله مواهب معنوی می‌گردد و هنگامی که نزدیک‌تر شد خدا با او

---

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۶۲۸

سخن می‌گوید، باز نزدیک‌تر می‌شود خدا بر او نظر رحمت می‌افکند و هنگامی که از آن هم نزدیک‌تر شد او را از آثار لغزشهای گناه پاک می‌سازد و در نتیجه از عذاب دردناک نجات می‌یابد و غرق در نعمتهای او می‌شود ولی کسانی که در مسیر پیمان شکنی و استفاده‌های نادرست از نام پروردگار قرار گرفتند از همه این مواهب و برکات محروم می‌شوند و مرحله به مرحله عقب نشینی می‌کنند در ذیل آیه ۱۷۴ سوره بقره که از جهاتی شبیه به این آیه بود نیز توضیحاتی درباره معنی آیه آمده است.

---

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۶۲۹

آیه ۷۸

آیه و ترجمه

و ان منهم لفريقا يلوّن السنتهم بالكتاب لتحسبوه من الكتاب و ما هو من الكتاب و يقولون هو من عند الله و ما هو من عند الله و يقولون على الله الكذب و هم يعلمون

ترجمه :

۷۸ - در میان آنها (یهود) کسانی هستند که به هنگام تلاوت کتاب (خدا)، زبان خود را چنان می‌گردانند که گمان کنید (آنچه را می‌خوانند)، از کتاب (خدا) است، در حالی که از کتاب (خدا) نیست! (و با صراحت) می‌گویند: آن از طرف

خداست! با اینکه از طرف خدانیست، و به خدا دروغ می‌بندند در حالی که می‌دانند!

### شان نزول :

مرحوم طبرسی در مجمع البیان از بعضی نقل می‌کند که این آیه نیز درباره گروهی از علماء یهود نازل شده که با دست خود چیزهائی برخلاف آنچه در تورات آمده بود درباره صفات پیامبر اسلام می‌نوشتند و آن را به خدا نسبت می‌دادند (و با زبان خود حقائق تورات را تحریف می‌کردند) ابو الفتوح رازی نام کعب بن اشرف و حی بن اخطب و بعضی دیگر از علمای آنها را در اینجا به خصوص ذکر می‌کند.

### تفسیر :

#### رسوایی تحریف گران

باز در این آیه سخن از بخش دیگری از خلافاکاریهای بعضی از علمای اهل کتاب است، می‌فرماید: بعضی از آنها زبان خود را به هنگام تلاوت کتاب خدا چنان می‌پیچند و منحرف می‌کنند که گمان کنید آنچه رامی‌خوانند از کتاب خدا است در حالی که از کتاب الهی نیست (و ان منهم لفريقا يلوون السنتهم بالكتاب لتحسبوه من الكتاب و ما هو من الكتاب).

---

#### تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۶۳۰

یلون از ماده لی (بر وزن حی) به معنی پیچیدن و کج کردن است و این تعبیر در اینجا کنایه جالبی از تحریف سخنان الهی است گویا آنها هنگام تلاوت تورات وقتی به صفات پیامبر اسلام که بشارت ظهورش در آیات تورات آمده بود می‌رسیدند در همان حال آن را تغییر می‌دادند و چنان ماهرانه این عمل انجام می‌گرفت که شنونده گمان می‌کرد آنچه رامی‌شنود متن آیات الهی است.

آنها به این کار نیز قناعت نمی‌کردند بلکه صریحا می‌گفتند: این از سوی خدا نازل شده در حالی که از سوی خدا نبود (و يقولون هو من عند الله و ما هو من عند الله).

سپس قرآن بر این امر تاکید می‌کند که این کار به خاطر این نبود که گرفتار اشتباهی شده باشند بلکه به خدا دروغ می‌بندند در حالی که عالم و آگاهند (و يقولون علی الله الکذب و هم يعلمون). تمام اینها به خاطر این بود که منافع مادی خود را در خطر می‌دیدند و به خاطر

آن دست به هر گناهی می‌زدند در حالی که اگر افق فکر خود را بالامی‌گرفتند و خلوص نیتی نشان می‌دادند خداوند قادر متعال هم زندگی معنوی آنها را تامین می‌کرد و هم جنبه‌های مادی آنها را. ضمناً از این آیه و آیات قبل خطر مهم علما، و دانشمندان منحرف برای یک امت و ملت روشن می‌شود زیرا این تشدید مجازاتها دلیل بر اهمیت موقعیت علما و خطراتی است که از ناحیه انحراف آنها حاصل می‌شود.

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۶۳۱

آیه ۷۹ - ۸۰

آیه و ترجمه

ما کان لبشر ان یوتیه الله الکتاب و الحکم و النبوة ثم یقول للناس کونوا عبادا لی من دون الله و لکن کونوا ربانیین بما کنتم تعلمون الکتاب و بما کنتم تدرسون و لا یامرکم ان تتخذوا الملائکة و النبیین اربابا ایامرکم بالكفر بعد از انتم مسلمون

ترجمه :

۷۹ - برای هیچ بشری سزاوار نیست که خداوند، کتاب آسمانی و حکم و نبوت به او دهد سپس او به مردم بگوید: غیر از خدا، مرا پرستش کنید! بلکه (سزاوار مقام او، این است که بگوید:) مردمی الهی باشید، آن گونه که کتاب خدا را می‌آموختید و درس می‌خواندید! (و غیر از خدا را پرستش نکنید!)  
۸۰ - و نه اینکه به شما دستور دهد که فرشتگان و پیامبران را، پروردگار خود انتخاب کنید.

آیا شما را، پس از آنکه مسلمان شدید، به کفر دعوت می‌کند؟!

شان نزول :

درباره این دو آیه دو شان نزول ذکر کرده‌اند:  
نخست این که کسی نزد پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و اظهار داشت ما به تو همانند دیگران سلام می‌کنیم در حالی که به نظر ما چنین احترامی کافی نیست تقاضا داریم به ما اجازه دهی امتیازی برای قائل شویم و تو را سجده کنیم! پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: سجده برای غیر خدا جایز نیست، پیامبر خود را تنها به عنوان یک بشر احترام کنید ولی حق او را بشناسید و از او پیروی نمایید!  
دوم اینکه یکی از یهودیان بنام ابو رافع به اتفاق سرپرست هیئت اعزامی نجران

در مدینه روزی خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و اظهار داشتند  
آیا مایل هستی تو را

---

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۶۳۲

پرستش کنیم و مقام الوهیت برای تو قائل شویم؟! (شاید آنها می‌پنداشتند که مخالفت پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با الوهیت مسیح به خاطر این است که خود او سهمی از این موضوع ندارد بنابراین اگر او را به مقام الوهیت همچون مسیح بپذیرند از مخالفت خود دست بر می‌دارد و شاید این پیشنهاد توطئه‌ای برای بدنام کردن پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و منحرف ساختن افکار عمومی از او بود) اما پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: معاذ الله (پناه بر خدا) که من اجازه دهم کسی جز پروردگار یگانه مورد پرستش قرار گیرد، خداوند هرگز مرا برای چنین امری مبعوث نکرده است!

تفسیر :

دعوت به پرستش غیر خدا ممکن نیست

این آیات همچنان افکار باطل گروهی از اهل کتاب را نفی و اصلاح می‌کند مخصوصاً به مسیحیان گوشزد می‌نماید که هرگز مسیح (علیه السلام) ادعای الوهیت نکرد و آنچه درباره او در این زمینه گفته شده همه نسبت‌های ناروایی است که بعداً به او داده‌اند و نیز به درخواست کسانی که می‌خواستند این گونه ادعاها را درباره پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) (به علی که در شان نزول آمد) تکرار کنند صریحاً پاسخ می‌گوید می‌فرماید: برای هیچ بشری سزاوار نیست که خداوند کتاب آسمانی و حکم و نبوت به او دهد سپس او به مردم بگوید غیر از خدا مرا پرستش کنید (ما کان لبشر ان یوتیه الله الکتاب و الحکم و النبوة ثم یقول للناس کونوا عباداً لی من دون الله). نه پیامبر اسلام و نه هیچ پیغمبر دیگری حق ندارد چنین سخنی را بگوید و این گونه نسبت‌ها که به انبیاء داده شده همه ساخته و پرداخته افراد ناآگاه و دور از

---

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۶۳۳

تعلیقات آنها است چگونه ممکن است این مقامات بزرگ را از سوی خدا پیدا کنند و در عین حال به سوی شرک دعوت نمایند. سپس می‌افزاید: بلکه (سزاوار مقام او این است که بگوید) افرادی باشید الهی

آنگونه که تعلیم کتاب الهی به شما داده شده و درس خوانده‌اید و هرگز غیر خدا را پرستش نکنید (و لکن کونوا ربانیین بماکنتم تعلمون الکتاب و بماکنتم تدرسون).

آری فرستادگان الهی هیچگاه از مرحله بندگی و عبودیت تجاوز نکردند و همیشه بیش از هر کسی در برابر خداوند خاضع بودند بنابراین امکان ندارد از جاده توحید خارج شوند و مردم را به شرک دعوت کنند.

«ربانیین» جمع «ربانی» به کسی گفته می‌شود که ارتباط او بارب (پروردگار) قوی باشد و از آنجا که واژه «رب» به کسی گفته می‌شود که به اصلاح و تربیت دیگران پردازد مفهوم این واژه در آیه بالا آن است که هرگز سزاوار پیامبران نیست که مردم را به پرستش خویش دعوت کنند آنچه برای آنها سزاوار است این است که مردم را در پرتو تعلیم آیات الهی و تدریس حقایق دینی به صورت دانشمندان الهی و ربانی در آورند افرادی که جز خدا نپرستند و جز به سوی علم و دانش دعوت نکنند.

از جمله مزبور استفاده می‌شود که هدف انبیاء تنها پرورش افراد نبوده بلکه هدف تربیت معلمان و مربیان و رهبران مردم بوده است یعنی کسانی که بتوانند محیطی را با علم و ایمان خود روشن سازند. در آیه فوق نخست به مساله تعلیم (یاد دادن) و سپس به مساله تعلم و درس خواندن اشاره شده تفاوت این دو کلمه از این نظر است که «تعلیم» معنی

---

#### تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۶۳۴

وسیع و گسترده‌ای دارد که هر گونه یاد دادن از طریق گفتار و کردار نسبت به افراد با سواد و بی‌سواد را شامل می‌شود ولی درس خواندن به فراگیریهائی گفته می‌شود که از روی کتاب و دفتری باشد و به اصطلاح نسبت میان این دو عموم و خصوص مطلق است. و به این ترتیب هدف انبیاء پرورش عالمان ربانی و مصلحان اجتماعی و افراد دانشمند و آگاه و مدیر و مدبر بوده است.

آیه بعد تکمیلی است نسبت به آنچه در آیه قبل آمد می‌گوید: همانطور که پیامبران مردم را به پرستش خویش دعوت نمی‌کردند، به پرستش فرشتگان و سایر پیامبران هم دعوت نمی‌نمودند می‌فرماید: و سزاوار نیست اینکه به شما دستور دهد فرشتگان و پیامبران را پروردگار خودانتخاب کنید (و لا یامرکم ان تتخذوا الملائکة و النبیین اربابا).

این جمله از یک سو پاسخی است به مشرکان عرب که فرشتگان را دختران خدا می‌پنداشتند و نوعی ربوبیت برای آنها قایل بودند و با این حال خود را پیرو آیین ابراهیم (علیه السلام) معرفی می‌کردند.

و از سوی دیگر پاسخی است به صائبان که خود را پیرو یحیی (علیه السلام) می‌دانستند ولی مقام فرشتگان را تا سر حد پرستش بالامی‌بردند. و نیز پاسخی است به یهود و نصارا که عزیر (علیه السلام) یا مسیح (علیه السلام) را فرزند خدا معرفی می‌کردند و سهمی از ربوبیت را برای آنها قایل بودند.

آیه در پاسخ همه آنها می‌گوید: هرگز ممکن نیست پیامبری با آن علم و آگاهی الهی مردم را به ربوبیت غیر خدا دعوت کند. و در پایان آیه برای تاکید بیشتر می‌افزاید: آیا شما را به کفر دعوت می‌کند پس از آنکه مسلمان شدید (ایامرکم بالكفر بعد اذ انتم مسلمون). آیا ممکن است پیامبر خدا به کفر دعوت کند و به شما اجازه دهد او را

---

#### تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۶۳۵

پرستش کنید. ناگفته پیداست که اسلام در اینجا مانند بسیاری از موارد دیگر به معنی وسیع کلمه یعنی تسلیم در برابر فرمان خدا و ایمان و توحید به کار رفته است، یعنی چگونه ممکن است پیامبری پیدا شود و نخست مردم را به ایمان و توحید دعوت کند سپس راه شرک را به آنها نشان دهد و یا اینکه چگونه ممکن است پیامبری نتایج زحمات پیامبران دیگر را که به اسلام دعوت کرده‌اند بر باد دهد و آنها را متوجه کفر و شرک سازد؟! آیه ضمناً اشاره سربسته‌ای به معصوم بودن پیامبران و عدم انحراف آنها از مسیر فرمان خدا می‌کند.

نکته :

**بشر پرستی ممنوع است.**

آیات فوق با صراحت تمام هر گونه پرستش غیر خدا و مخصوصاً بشرپرستی را محکوم می‌سازد و روح آزادگی و استقلال شخصیت را در انسان پرورش می‌دهد همان روحی که بدون آن شایسته نام انسان نخواهد بود. در طول تاریخ افراد زیادی را می‌شناسیم که پیش از آنکه به قدرت برسند چهره‌های معصومانه داشتند و مردم را به حق و عدالت و حریت، آزادگی و ایمان دعوت می‌کردند اما هنگامی که پایه‌های قدرت آنها در اجتماع محکم شد



کم کم مسیر خود را تغییر داده و گرایش به فرد پرستی و دعوت به سوی خویش کردند.  
در حقیقت یکی از طرق شناسائی داعیان حق و داعیان باطل همین است که داعیان حق که در راس آنها پیامبران و امامان قرار داشتند در آن روز که

---

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۶۳۶

بزرگترین قدرتها را در اختیار می گرفتند همانند نخستین روزهای دعوت خود، مردم را دعوت به سوی اهداف مقدس دینی و انسانی از جمله توحید و یگانه پرستی و آزادگی می نمودند ولی داعیان باطل به هنگام قدرت و پیروزی نخستین مطلبی که در مغز آنها جوانه می زد دعوت به سوی خویش و تشویق مردم به یک نوع عبودیت بوده است تملقها و چاپلوسیهای افراد بی مایه ای که معمولاً اطراف آنها رامی گرفتند، با غرور و کم ظرفیتی آنها توأم شده چنین پدیدهای را به بار می آورد.

حدیث جالبی که از علی (علیه السلام) نقل شده روشنگر چهره واقعی و روحانی آن حضرت و شاهی برای این بحث است:  
روزی که امام (علیه السلام) به سرزمین انبار (یکی از شهرهای مرزی عراق) رسید جمعی از دهقانان در برابر آن حضرت طبق سنتی که به آن خو گرفته بودند از مرکبهایشان پیاده شدند و به سرعت به سوی او شتافتند (و شاید سجده کردند) امام (علیه السلام) نه تنها به این کار رضایت نداد بلکه شدیداً برآشفته و بر آنها فریاد زده: «ما هذا الذی صنعتموه؟ فقالوا: خلق منا نعظم به امراءنا فقال: و الله ما ینتفع بهذا امراؤکم و انکم لتشقون علی انفسکم فی دنیاکم و تشقون به فی آخرتکم و ما اخسر المشقة و راءها العقاب و اربح الدعة معها الامان من النار».

امام فرمود: «این چه کاری بود که شما انجام دادید؟ عرض کردند: این آدابی است که ما امیران خود را با آن بزرگ می داریم. امام فرمود: به خدا سوگند! زمامداران شما از این کار بهره ای نمی گیرند و شما خود را در دنیا به رنج و در آخرت به بدبختی گرفتار می سازید! چه زیانبار است رنجی که به دنبال آن کیفر خدا باشد و چه سودمند است آرامش و آزادگی که در پی آن ایمنی از آتش دوزخ قرار گیرد!».

---

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۶۳۷

آیه ۸۱ - ۸۲

آیه و ترجمه

و اذ اخذ الله ميثاق النبيين لما آتيتكم من كتاب و حكمة ثم جاءكم رسول مصدق لما معكم لتؤمنن به و لتنصرنه قال اقررتم و اخذتم على ذلكم اصرى قالوا اقررنا قال فاشهدوا و انا معكم من الشاهدين فمن تولى بعد ذلك فاولئك هم الفاسقون

ترجمه :

۸۱ - و (به خاطر بیاورید) هنگامی را که خداوند، از پیامبران (و پیروان آنها)، پیمان موکد گرفت، که هر گاه کتاب و دانش به شما دادم، سپس پیامبری به سوی شما آمد که آنچه را با شماست تصدیق می کند، به او ایمان بیاورید و او را یاری کنید! سپس (خداوند) به آنها گفت: آیا به این موضوع، اقرار دارید؟ و بر آن، پیمان موکد بستید؟ گفتند: (آری) اقرار داریم! (خداوند به آنها) گفت: پس گواه باشید! و من نیز با شما از گواهانم.

۸۲ - پس کسی که بعد از این (پیمان محکم)، روی گرداند، فاسق است.

تفسیر :

پیمان مقدس

به دنبال اشاراتی که در آیات پیشین درباره وجود نشانه های روشن پیامبر اسلام در کتب انبیاء قبل آمده بود در این آیات اشاره به یک اصل کلی در این رابطه می کند و آن اینکه پیامبران پیشین (و به دنبال آنها پیروانشان) با خدا پیمان بسته بودند که در برابر پیامبرانی که بعد از آنها می آیند سر تعظیم و تسلیم فرود آورند می فرماید: و (به خاطر بیاورید) هنگامی را که خداوند پیمان موکد از پیامبران (و پیروان آنها) گرفت که هر گاه کتاب و دانش به شما دادم سپس پیامبری به سوی شما

---

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۶۳۸

آمد که آنچه را با شما است تصدیق می کند (و نشانه های او موافق چیزی است که با شما است) حتما به او ایمان بیاورید و او را یاری کند (و اذ اخذ الله ميثاق النبيين لما آتيتكم من كتاب و حكمة ثم جاءكم رسول مصدق لما معكم لتؤمنن به و لتنصرنه).

در حقیقت همانطور که پیامبران و امت های بعد موظف اند نسبت به پیامبران گذشته و آیین آنها احترام بگذارند و اصول آنها را محترم بشمرند پیامبران و

امتهای پیشین نیز نسبت به پیامبران بعد از خود چنین وظیفه‌ای داشته‌اند، در آیات قرآن کراراً اشاره به وحدت هدف پیغمبران خدا شده است و این آیه نمونه زنده‌ای از آن است.

فراموش نکنیم که «میثاق» در اصل از ماده «وثوق» به بعضی اطمینان و اعتماد گرفته شده به همین دلیل به پیمانهای موکد که مایه اطمینان است میثاق گفته می‌شود البته گرفتن پیمان از پیامبران همراه با گرفتن پیمان از پیروان آنها است و موضوع پیمان این بود که اگر پیامبری بیاید که دعوت او هماهنگ با دعوت آنان باشد و نشانه‌های او با آنچه در کتب آسمانی آنها آمده موافق باشد (و به این ترتیب حقانیت او ثابت گردد) باید نه تنها به او ایمان بیاورند بلکه به یاری‌اش برخیزند.

سپس برای تاکید می‌افزاید: خداوند به آنها فرمود: آیا اقرار به این موضوع دارید؟ و پیمان موکد مرا بر آن گرفتید؟ گفتند: آری اقرار داریم فرمود: بر این پیمان گواه باشید و من هم با شما گواهم (قال، اقررتم واخذتم علی ذلکم اصری قالوا

---

#### تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۶۳۹

اقررنا قال فاشهدوا و انا معکم من الشاهدین). در آیه بعد قرآن مجید پیمان شکنان را مورد مذمت و تهدید قرار می‌دهد و می‌گوید: سپس هر کس (بعد از این همه پیمانهای موکد و میثاقهای محکم) سرپیچی کند و روی گرداند (و به پیامبری همچون پیامبر اسلام که بشارت ظهورش همراه نشانه‌های او در کتب پیشین آمده ایمان نیاورد) فاسق و خارج از اطاعت فرمان خداست (فمن تولی بعد ذلک فاولئک هم الفاسقون). و میدانیم که خداوند اینگونه فاسقان لجوج و متعصب را هدایت نمی‌کند همانگونه که در آیه ۸۰ سوره توبه آمده است: و الله لا یهدی القوم الفاسقین و کسی که مشمول هدایت الهی نشد سرنوشتش دوزخ و عذاب شدید الهی است.

#### نکته‌ها

۱- آیا آیه فوق تنها درباره بشارت انبیاء پیشین و پیمان آنها نسبت به پیامبر اسلام است؟ یا هر پیامبری را که بعد از پیامبر دیگری مبعوث شده در بر می‌گیرد؟ ظاهر تعبیّرات آیه یک مسأله کلی و عمومی است، اگر چه خاتم پیامبران مصداق بارز آن است و با روح مفاهیم قرآن نیز همین معنی وسیع و

گسترده مناسب است بنابراین اگر می‌بینیم در اخباری تصریح شده که منظور از آن پیغمبر گرامی اسلام است از قبیل تفسیر آیه و تطبیق آن بر یک مصداق روشن محسوب می‌گردد نه این

---

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۶۴۰

که معنی آن انحصار بوده باشد. فخر رازی در تفسیر خود از امام علی (علیه السلام) نقل می‌کند که: هنگامی که خداوند آدم و سایر انبیاء را آفرید از آنها عهد و پیمان گرفت که هر گاه محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) مبعوث شد به او ایمان آورند و یاری‌اش کنند.

۲ - با توجه به مضمون آیه این سؤال پیش می‌آید که مگر ممکن است پیامبر اولو العزمی در زمان پیامبر الوا العزم دیگر مبعوث گردد تا موظف به پیروی از او باشد؟ در پاسخ این سؤال باید گفت: همانطور که در تفسیر آیه اشاره شد پیمان تنها از خود پیامبران گرفته نشد بلکه از پیروان آنها نیز گرفته شد و در حقیقت منظور از پیمان گرفتن از انبیاء، پیمان گرفتن از امت‌های آنان و نسل‌هایی که بعد از آنها به وجود می‌آیند و عصر پیغمبر بعد را درک می‌کنند می‌باشد به علاوه خود پیامبران نیز اگر (فرضا) پیامبران آینده را درک کنند ایمان خواهند آورد یعنی هرگز پیغمبران خدا در هدفها و دعوتهای خود از یکدیگر جدا نیستند و با هم جنگ و ستیزی ندارند.

۳ - سخن دیگر درباره آیه این است که آیه مزبور گرچه درباره پیامبران است ولی بدیهی است که در مورد جانشینان آنها نیز صادق می‌باشد زیرا جانشینان راستین آنها از آنان جدا نیستند و همه یک هدف را تعقیب می‌کنند و همیشه پیامبران جانشینان خود را معرفی کرده و نسبت به آنها بشارت داده و مردم را به ایمان آوردن و یاری آنها دعوت نموده‌اند و اگر می‌بینیم در روایاتی که در ذیل آیه در کتب تفسیر یا حدیث ما نقل شده جمله «و لتصرنه» درباره علی (علیه السلام) تفسیر شده و مساله ولایت را مشمول آن دانسته‌اند در حقیقت اشاره به همین معنی است.

ناگفته نماند که آیه فوق از نظر چگونگی ترکیب نحوی در میان مفسران و اهل ادب مورد بحث و گفتگو واقع شده است.

---

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۶۴۱

#### ۴ - تعصبات مزاحم

تاریخ نشان داده که پیروان یک آیین به آسانی حاضر نیستند دست از آیین خود بردارند و در برابر پیامبران تازه که از طرف خداوند مبعوث می شوند تسلیم گردند بلکه با جمود و سرسختی خاصی روی آیین قدیم ایستاده و از آن دفاع می کنند گویا آن را از خود و خود را از آن می دانند و رها ساختن آن را فنای ملیت خویش می پندارند.

لذا به زحمت به قبول آیین نو، تن در می دهند و سرچشمه بسیاری از جنگهای مذهبی که در طول تاریخ واقع شده و از دردناک ترین حوادث تلخ تاریخ است همین تعصب خشک و جمود بر آیینهای کهن بوده است.

در حالی که قانون تکامل می گوید: باید آیینها یکی پس از دیگری بیایند و بشر را در مسیر خداشناسی و حق و عدالت و ایمان و اخلاق و انسانیت و فضیلت پیش ببرند تا به آخرین آیین که خاتم ادیان است برسند و همچون طفلی که مدارج تحصیلی را یکی پس از دیگری پیموده تا فارغ التحصیل شده این راه را بپیماید.

بدیهی است اگر شاگردان دبستانی آنچنان نسبت به محیط دبستان علاقه و تعصب پیدا کنند که از حضور در دبیرستان خودداری نمایند جز رکود و عقب ماندگی از قافله ترقی نتیجه ای نخواهند داشت، اصرار و تاکید که در آیه بالا درباره گرفتن عهد و پیمان موکد از انبیاء و امتهای پیشین نسبت به انبیای آینده شده است گویا برای اجتناب و احتراز از همین تعصبات و جمودها و لجاجتها بوده که با نهایت تاسف پس از این همه تاکید باز می بینیم پیروان آیینهای کهن به آسانی در برابر حقایق جدید تسلیم نمی شوند - ضمناً درباره اینکه چرا و چگونه اسلام خاتم مذاهب و آخرین ادیان است در ذیل آیه ۴۰ سوره احزاب به خواست خدا مشروحاً سخن خواهیم گفت.

